

طرح مقاله علمی - پژوهشی

«تعریف اختیار در سه مبنای نظری»

ضرورت

«اختیار» یکی از مقولاتی است که تمامی مبانی فلسفی در تحلیل رفتار انسان گرفتار تعریف و تفسیر آن می‌گردند. آنچه مسلم است این که انسان بدهتاً در می‌یابد که اختیار از یک سو نباید به جبر منتهی گردد و از سوی دیگر نباید آن قدر استقلال عمل بیابد که به تفویض منجر شود و از سلطه اراده‌های دیگر رها.

موضوع

مقاله مورد نظر ابتدا چالش‌های واقعی تفسیر اختیار را بیان می‌نماید و سپس پاسخ‌های ارائه شده از سوی مبانی فلسفی مختلف را طرح نموده، آخرین تلاش‌های نهادهای علمی حوزه و دانشگاه برای حل معضل نظری مذکور را ذکر می‌کند. پس از آن با تبیین آسیب‌های این پاسخ‌ها و ناتوانی آن‌ها از حل چالش مذکور، راه‌حل فرهنگستان را برای تفسیر اختیار توضیح دهد.

هدف

اختیار یکی از تمایزات اصلی مبنای نظری فرهنگستان با سایر مکاتب فلسفی است. ریاضیاتی که مبتنی بر فلسفه نظام ولایت باشد نیز از همین رو به شدت با «اختیار» گره خورده است. هدف این است که مخاطب مقاله، پس از مطالعه آن در یابد که ریاضیات رایج قادر نیست اختیار را به درستی تحلیل نماید و از همین رو در تبیین واقعیت کارآمدی کمتری دارد. اما ریاضیات اسلامی به دلیل ابتناء بر تعریف دقیق‌تری از اختیار، کارایی بیشتری را فراهم می‌نماید.

گستره

با توجه به محدودیت‌های موجود و سرعت مطلوب در دستیابی به محصول، برای دستیابی به تعاریف حوزه و دانشگاه از اختیار صرفاً به منابع اصلی، مرجع و مشهور مراجعه می‌شود و از بررسی آراء غیرمشهور و کمتر مورد توجه پرهیز می‌گردد.

در مبانی حوزه، دو نظریه مشهور درباره اختیار دیده می‌شود؛ یکی مبتنی بر فلسفه ارسطویی که با عنوان حکمت متعالیه امروزه رواج دارد و در مباحث اعتقادی طرح می‌گردد. دیگری «نظریه سلطنت» شهید صدر (ره) است که به صورت مستقل از مبانی فلسفی ارسطویی طرح شده و کمتر مورد بررسی فلاسفه قرار گرفته است.

در مبانی فلسفه غرب، خاستگاه ریاضیات جدید، ماتریالیسم و ماده‌گرایی و نفی متافیزیک و هر چه که ماوراء ماده باشد، سبب شده اختیار نیز معنایی کاملاً مکانیکی بیابد و در چارچوب نظریات فیزیک تعریف گردد. به نظر می‌رسد تعریف اختیار را باید در منابعی که به فلسفه فیزیک پرداخته‌اند یافت.

برای دستیابی به تعریف نظام ولایت از اختیار نیز، درس‌گفتارهای استاد حسینی (ره) که به صورت جزوه منتشر شده‌اند مبنای مطالعه و بررسی قرار خواهند گرفت.

زمان مورد نیاز برای دستیابی به آراء و نظرات در این سه مبنای نظری ۶۰۰ نفر ساعت پیش‌بینی می‌گردد که به صورت زیر تقسیم می‌گردد:

استخراج مبنای حوزه، آسیب‌شناسی و تدوین آن	۱۸۰ نفر ساعت
استخراج مبنای دانشگاه، آسیب‌شناسی و تدوین آن	۱۸۰ نفر ساعت
استخراج مبنای فرهنگستان، اثبات و تدوین آن	۱۸۰ نفر ساعت
جمع‌بندی مطالب و تدوین نهایی مقاله	۶۰ نفر ساعت

بر این اساس، اگر این طرح توسط یک گروه سه نفره به انجام برسد در یک ماه و در غیر این صورت، اگر یک فرد عهده‌دار تمام پروژه باشد، سه ماه به طول خواهد انجامید.

فرضیه

تمامی فلسفه‌های مبتنی بر مبنای ارسطو در تبیین هستی، چه اصالت وجود و چه اصالت ماهیت، به دلیل مبتنی بودن بر اصل علیّت، قادر به تحلیل اختیار نمی‌باشند.

فلسفه اسکولاستیک غرب نیز با ابتناء بر اصل علیّت، به جبر منجر می‌گردد.

فلسفه‌هایی که در غرب، پس از هیوم طرح شده‌اند، با هر عنوانی که بوده‌اند، اگر چه معمولاً با نفی اصل علیت تلاش نموده‌اند از چالش جبر خلاص گردند، اما به دلیل اصل شدن ماده‌گرایی و نفی متافیزیک، اختیار را به «انتخاب یکی از گزینه‌های موجود» تفسیر می‌نمایند.

تحولات فیزیک در قرون اخیر نیز سبب شده تعریفی مکانیکی از اختیار بیان شود که آن را تحت قوانین جبری طبیعت مندرج نموده و باز هم به جبر منتهی می‌نماید.

اگر چه نظریه احتمالات در ریاضی تلاش کرده سایه جبر را از اختیار برچیند، اما تنها توانسته «جبر غیرآگاهانه» را به جای «جبر آگاهانه» بنشانند.

شهید صدر (ره) با تلفیق دو مبنای فوق، تلاش نموده دامنه اصل علیّت را محدود به «طبیعت» نموده و با خارج ساختن رفتار بشر از گستره رابطه علیّت، با طرح اصطلاح «سلطنت»، اختیار را غیرجبری تحلیل نماید. بدین ترتیب عملاً به فلسفه‌ای با دو پایه و اساس رسیده است که این دو مبنایی بودن، یکی از ایرادات این نظریه محسوب می‌گردد.

در این میان، تنها استاد حسینی (ره) است که با نفی اصالت ذات در تفسیر هستی، توانسته مبنایی واحد در فلسفه پدید آورد که با اصل قرار دادن «اراده‌ها» اختیار را به «ایجاد راه جدید» تفسیر نموده و حکومت آن را بر تمام خلقت، حتی طبیعت، نشان دهد. فرض بر این است که تنها با این مبنای فلسفی ست که می‌توان اختیار را هم از «جبر» و هم از «استقلال و تفویض» و هم از «مساوی شدن با انتخاب» رها نموده و صرفاً «اختیاری» تحلیل کرد.

محصول

نتیجه کار در قالب یک مقاله در رده علمی- پژوهشی منتشر می‌گردد، با حدود ۳۰ الی ۴۰ صفحه حجم و در قالبی استاندارد از نظر ارجاعات و پی‌نوشت‌ها که ساختار درونی آن دارای چارچوب کلی ذیل خواهد بود:

تعریف اختیار در سه مبنای نظری			
مضاف مضاف‌الیه	اختیار موضوعاً	موضوعات اختیار	آثار اختیار
حوزه	اختیار موضوعاً از نگاه حوزه	موضوعات اختیار از نگاه حوزه	آثار اختیار از نگاه حوزه
دانشگاه	اختیار موضوعاً از نگاه دانشگاه	موضوعات اختیار از نگاه دانشگاه	آثار اختیار از نگاه دانشگاه
فرهنگستان	اختیار موضوعاً از نگاه فرهنگستان	موضوعات اختیار از نگاه فرهنگستان	آثار اختیار از نگاه فرهنگستان

به نظر می‌رسد مقاله نهایی فهرستی شبیه به این داشته باشد:

۱. اختیار در فلسفه‌های ارسطویی

۱/۱. نظریات مطرح

۱/۱/۱. فلسفه مشائی

۲/۱/۱. فلسفه اشراقی

۳/۱/۱. حکمت متعالیه

۴/۱/۱. نظریه شهید صدر (ره)

۲/۱. نقد و بررسی

۱/۲/۱. جبرگرایی محصول اصل علیّت

۲/۲/۱. ناتوانی فلسفه‌های اصالت ذات در تبیین اختیار

۲. اختیار در فلسفه‌های غربی

۱/۲. نظریات مطرح

۱/۱/۲. فلسفه‌های اسکولاستیک مسیحیت

۲/۱/۲. تجربه‌گرایان

۳/۱/۲. اثبات‌گرایان و ابطال‌گرایان

۴/۱/۲. فلسفه فیزیک

۲/۲. نقد و بررسی

۱/۲/۲. جبرگرایی محصول تفسیر شدن اختیار به انتخاب

۲/۲/۲. ناتوانی فلسفه‌های ماده‌گرا در تبیین اختیار

۳. اختیار در مبنای نظام ولایت

۱/۳. مبنا شدن اراده در تبیین هستی

۲/۳. تعریف اختیار بر مبنای اصالت اراده‌ها

۳/۳. تفاوت اختیار و انتخاب